

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۲۹ مرداد ۹۱

سلام بر عید، عیدی که نامش فطر است و پروردگار عالم آن را پایان روزه‌داری امت مسلمان قرار داد تا عظمت فرمانش در اطاعت از قرآن کریم در دوران‌ها آینه‌ی عملشان باشد. جان‌های اطاعت‌گر، جان مادی خویش را در پرتو این انوار روحانی به فراموشی سپردند تا معنویتِ جانِ دوم را احساس کنند. لذت‌هایی را که به آن خو گرفته بودند را رها کردند تا انوار جانشان متجلی گردد. دهانشان را به تلاوت آیات پروردگارشان متبرک و عقلشان را به اطاعتش منور کردند. روزها از پی یکدیگر آمدند و به شب قدر رسیدند؛ شکمِ زمان باز شد تا تقدیرات وعده داده شده‌ی الهی را در درون خود جای دهد. تقدیرات نگاشته شد؛ قلمِ جان‌ها به حرکت درآمد؛ به خود نهیب زد: ای وای بر تو، فرصت تمام شد؛ بیدار باش، از آنچه در جهل جانت به آن پرداختی توبه کن. زبان‌ها به استغفار به درگاه الهی به سخن درآمد؛ کارگزارانِ قدر به تماشا ایستادند؛ پروردگارا، مخلوقاتِ خورنده‌ی روزی‌ات دست نیاز بر جلالت اسماء ات گشوده‌اند تا بر آنان از بارگاه با جلالت احسانی کنی؛ احسان آماده می‌شود؛ رحمت الهی، زمین را منور به لطف خود می‌نماید رحمتی که همگان را در آغوش کبریایی‌اش می‌پذیرد؛ خفتگان دهر مانند چوب‌های به دیوار تکیه داده شده به تماشا می‌آیند؛ جانِ سحر شده از گناهشان به اطراف می‌نگرد؛ کدام نجات را تقاضا کنند؟ جان مرده جز چاله‌ای که در آن نگهداری شود نیاز دیگری ندارد؛ می‌رود و جان مرده‌اش را درون این چاه متعفن زندانی می‌کند تا بوی تنش را از دیگران پنهان کند؛ مانند زمانی که زندگان پای بر قبر مردگان می‌گذارند و می‌گذرند و آنان همچنان در گور خفته‌اند، جانِ عاشق بر گور این خفتگان پای همتش را استوارتر می‌گذارد تا صدای پای حقیقت، در زمان ثبت شود و همواره حق پیروز گردد و باطل در پرده‌ی بیهودگی همچنان به راه خود ادامه دهد.

شمارِ رمضان به پایان آمد و هلالش کامل گردید؛ صبحدم اول شوال با خود آمدن روزی خاص از روزهای پروردگار را مزده داد؛ روزی که جانِ معطر از خوان پروردگار به

استغاثه طلب مزد خویش را می‌کند و مزدش استقامت در ایمان و اطاعت از فرامین قرآن کریم است.

پس به جانتان شربت گوارای فطر را بخورانید تا دهانتان از طعمش شیرین گردد. به عهد و پیمان‌های خویش وفا کنید تا شناسنامه‌ی جانتان را با نام زنده مهر کنند و خط باطل بر صفحه‌ی جانتان نکشند؛ اگر توانستید زنده بمانید پروردگار عالم بر عزت عمرتان می‌افزاید و اگر باز در گناه مُردید مانند اموات خویش هستید که با دادن صدقه‌ای از جانب شما نوری در ظلمات جانشان افروخته می‌شود و پس از پایانش باز در همان ظلماتِ عمل گرفتار می‌آیند پس، از عملتان جاودانگی را برگزینید تا رستگار شوید و رستگاران همان‌هایی هستند که پروردگارشان را در صبحگاهان و شبانگاهان تسبیح می‌گویند و از آنچه به آنان امر شده ملول نمی‌شوند.

اینک دست تضرع بر بارگاه ملکوتی پروردگاران می‌گشاییم و گنجینه‌ی زمان را همگی با هم می‌خوانیم و مزد روزه‌داری‌مان را در برآورده شدن حاجاتمان تقاضا می‌کنیم و با قلبی سوخته از هجران فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج